

«مهمان مامان» در فرانسه

عباس آگاهی

به او می‌گویم خوشبختانه درین کار موفق شده و ظاهراً ترجمه او از کتاب مهمان مامان با استقبال خوبی روبه‌رو شده است. ولی آیا فقط با یک دوره سه ساله لیسانس زبان فارسی در مدرسه زبانهای شرقی دانشگاه پاریس می‌توان به این خوبی از عهده ترجمه چنین کتابی برآمد؟

خانم باهیا در جواب می‌گوید:
– من به دروس دوره لیسانس اکتفا نکردم و بعد از آن نیز به مدت دو سال به مطالعه در زمینه زبان فارسی و ادبیات معاصر ادامه دادم. اما متأسفانه حالا دیگر

فرصت زیادی در اختیار ندارم و برای اداره زندگی ناچارم به کار ترجمه از زبانهای دیگر مشغول باشم و این خود موجب می‌شود که اندوخته‌های فارسی را گاهی به دست فراموشی بسپارم. ولی البته هرگاه که اندک فرصتی دست می‌دهد به مطالعه زبان فارسی می‌پردازم.

می‌گویم شما اشاره کردید که از زبانهای دیگر نیز ترجمه می‌کنید. مگر بجز فارسی با زبانهای دیگری هم آشنا هستید؟
پاسخ می‌دهد:

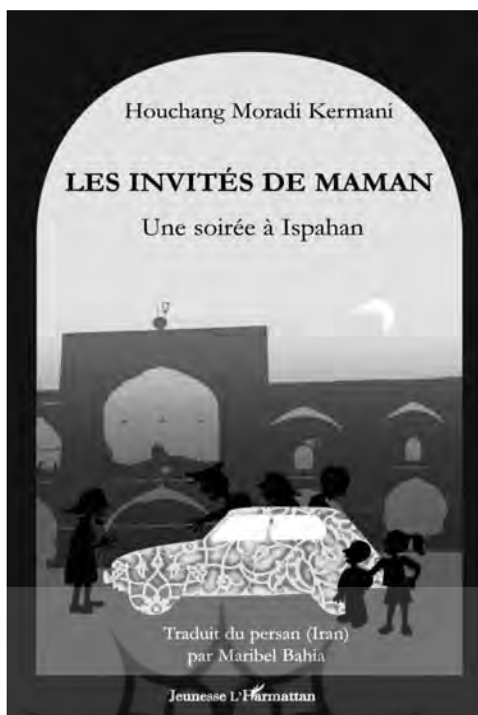
– بله، من زبانهای آلمانی، انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی و پرتغالی را نیز می‌شناسم و زبان مادری‌ام پرتغالی است.

از او می‌خواهم کمی درین باره صحبت کند.
– من برزیلی‌ام. زبان مادری‌ام پرتغالی است، ولی در فرانسه بزرگ شده‌ام و تحصیلات خودم را درین کشور دنبال کرده‌ام. وقتی کودک خردسالی بودم یکی از اعضای خانواده‌ام دیپلمات بود و در ایران زندگی می‌کرد. در دوران دبستان و دبیرستان در فرانسه بیشتر از دیگر همکلاسی‌ها راجع به ایران می‌دانستم و کم و بیش با نامهای بزرگ فرهنگ فارسی آشنا بودم. از همان دوران عاشق زبان و فرهنگ این ایران شدم و همیشه آرزو می‌کردم که روزی فارسی بخوانم و به آن کشور بروم. این آرزو سالهای بعد، هنگامی که در دانشگاه به مطالعه زبان فارسی و فرهنگ ایرانی مشغول شدم برآورده شد.

می‌پرسم که آیا فرصت مسافرت به ایران را نیز داشته است یا خیر؟

در جواب می‌گوید:

– بله. دوبار به ایران سفر کردم. بار اول یک ماه در ایران بودم و



در دو سه دهه اخیر افزون بر آثار ادبیات کلاسیک ایران و متون تاریخی و تحقیقی و دانشگاهی، داستانهای بلند و کوتاه به قلم نویسندگان ایرانی معاصر نیز در مغرب زمین ترجمه و چاپ می‌شود. آثاری نیز به قلم نویسندگان ایرانی تبار که دوران نوجوانی‌شان را در سرزمین ایران گذرانیده و سپس همراه با والدین‌شان به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند، مستقیماً به زبانهای اروپایی به چاپ رسیده است که شمارشان کم نیست. اقبالی که این‌گونه آثار در میان علاقه‌مندان مغرب‌زمین داشته، از سوی دیگر موجب شده است که

حس کنجکاوی بیشتری نسبت به فرهنگ، زبان و تاریخ ایران به وجود آید و در نتیجه افراد بیشتری به فراگیری زبان فارسی روی آورند. خانم ماری بل باهیا را می‌توان از جمله این‌گونه افراد دانست که با پشتکاری ستودنی به آموختن زبان فارسی و فرهنگ ایرانی روی آورده و به کار دشوار ترجمه از زبان فارسی به زبان فرانسه پرداخته است.

من از طریق دوستان مشترک در جریان تحصیل زبان فارسی و سفرهای خانم باهیا به ایران بودم و هنگامی که شنیدم وی به ترجمه اثری از هوشنگ مرادی کرمانی مشغول است صمیمانه برایش آرزوی توفیق کردم و دیری نگذشت که خبر انتشار ترجمه فرانسوی کتاب مهمان مامان را دریافت داشتیم. علاقه و پشتکار خانم باهیا برای شناساندن این ترجمه با ترتیب دادن نشست‌ها یا شرکت در آنها، یا انجام مصاحبه در بخشهای ایرانی رادیوهای اروپایی، مرا بر آن داشت تا مختصری در معرفی این بانوی با فرهنگ و ایران‌دوست به خوانندگان فرهیخته جهان‌کتاب تهیه و تقدیم کنم. ناگفته نگذارم که پرسش و پاسخهایی که در زیر می‌آید از طریق مبادله ایمیل میسر شده است.

ابتدا از خانم ماری بل باهیا می‌خواهم که خودشان را معرفی کنند. ایشان در جواب می‌گویند:

– من شاگرد مدرسه زبانهای شرقی دانشگاه پاریس بودم و دوره سه ساله لیسانس زبان و ادبیات فارسی را در این محل به پایان رسانیده‌ام. عاشق زبان فارسی‌ام و همیشه دلم می‌خواست که تصویری از ایران و فرهنگ و ادبیات معاصر این کشور به فرانسویان ارائه دهم.

بیشتر اوقات را در تهران و اصفهان و شیراز گذرانیدم. بار دوم سه ماه در تهران ماندم و به مؤسسه‌ای در جنب سازمان لغتنامهٔ دهخدا که برای آموزش زبان فارسی به خارجی‌ان است رفتم. البته کمی هم ایرانگردی کردم و به مشهد و سنج و کاشان هم سفر داشتم.

در اینجا پرسش دیگری را مطرح می‌کنم و از خانم باهیا می‌خواهم بگوید آیا آنچه در این سفرهای دوگانه به ایران شناخته با آنچه در دورهٔ تحصیل دانشگاهی از ایران آموخته هم‌سویی داشته است یا نه؟ خانم باهیا در جواب می‌گوید:

– در دانشگاه پاریس ما فقط با ادبیات کلاسیک ایران آشنا می‌شویم و متأسفانه خیلی کم با زبان روزمره سروکار داریم. در نتیجه در سفر اول به ایران ابتدا احساس کردم که باید تلاش بیشتری بکنم و با زبان مردم عادی آشنا شوم. خوشبختانه تحصیل سه ماههٔ تابستانی در مؤسسهٔ آموزش زبان در تهران کمک فراوانی درین زمینه به من کرد.

چگونه تصمیم به ترجمهٔ کتاب **مهمان مامان** گرفتید؟

– در حقیقت من در مؤسسهٔ آموزش زبان در تهران با **قصه‌های مجید** آشنا شدم و دیدم که این کتاب پر است از اصطلاحات عامیانه و بامزه. درست همان چیزی که من در جست و جویم هستم. بلافاصله عاشق این متن شدم و تصمیم گرفتم این کتاب را ترجمه کنم. اما **قصه‌های مجید** برای یک خارجی که زبان فارسی را فرامی‌گیرد بسیار سخت است. به دلیل همین زبان عامیانه و روزمره‌ای که دارد. از این رو از کتاب **مهمان مامان** شروع کردم. چون یک اثر تلویزیونی موفق هم در ایران، از روی این کتاب تهیه شده بود و درک ریزه‌کاری‌های آن برایم ساده‌تر می‌شد. باقی می‌ماند کسب اجازه از آقای هوشنگ مرادی کرمانی که ایشان هم با لطف زیاد این اجازه را به من دادند و من هم شروع به ترجمهٔ این کتاب کردم.

از خانم باهیا می‌پرسم به نظر او این مجموعهٔ تلویزیونی که در ایران از روی این اثر تهیه شده است بیشتر برای نوجوانان است یا بزرگترها هم می‌توانند از آن لذت ببرند. خانم باهیا در پاسخ می‌گوید: – ما در فرانسه دربارهٔ برخی از نویسندگان که برای بچه‌ها می‌نویسند اصطلاحی داریم و می‌گوییم که این نویسنده برای بچه‌ها از سن هفت سالگی تا هفتادسالگی می‌نویسد. من فکر می‌کنم این تعریف دربارهٔ کارهای آقای مرادی کرمانی هم صادق است. ایشان برای همه می‌نویسند. کتاب خیلی بامزه است. به تصور من تصویری از ایران معاصر می‌دهد. تصویری از ایران که کم‌کم به دست فراموشی سپرده می‌شود: ایران بیست و پنج سال آخر قرن بیستم از دیدگاه یک نوجوان. واقعاً خیلی جالب است. هم برای نوجوانان فرانسوی، هم برای نوجوانان نسل دوم ایرانی‌هایی که به فرانسه مهاجرت کرده‌اند. خانم باهیا اضافه می‌کند:

– این کتاب می‌تواند برای تعطیلات سال نوی مسیحی و تعطیلات شب یلدا یا نوروز هدیهٔ خوبی باشد.

من نظر ایشان را تصدیق می‌کنم و جویا می‌شوم که ترجمهٔ کتابهای دیگر مرادی کرمانی را چه زمانی شروع خواهند کرد؟

– بعد از **مهمان مامان** به سراغ **قصه‌های مجید** خواهیم رفت که



واقعاً شاهکاری جالب است. بعد به زندگینامهٔ خودنوشت نویسنده خواهیم پرداخت که آن هم خیلی بامزه است.

به این ترتیب با آرزوی توفیق برای خانم ماری بل باهیا، باید منتظر سومین ترجمه از آثار هوشنگ مرادی کرمانی به زبان فرانسه باشیم: بعد از **خمیره** و **مهمان مامان**. نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد و بزرگترها هم از نوشته‌هایش لذت می‌برند.

*

اطلاعات زیر را از طریق اینترنت دربارهٔ تحصیلات و کارهای علمی خانم ماری بل باهیا به دست آورده‌ام که برای آشنایی بیشتر با این دوستدار فرهنگ ایران تقدیم می‌کنم:

این بانو در سازمانهای گوناگون رسانه‌ای فرانسه و بین‌المللی کار کرده است و چندین مأموریت در زمینه‌های مشاوره در ارتباطات برای نهادهای اروپایی و آژانسهای سازمان ملل متحد داشته است. ده سال است که بیشتر به کار ترجمه می‌پردازد. او به ویژه از زبان پرتغالی **نامه‌های کنسولی** نوشتهٔ اسقف اعظم برزیلی دم هلدر کامارا (Dom Helder Comara) کنسیل واتیکان دوم را به زبان فرانسه ترجمه کرده است (پاریس، ۲۰۰۶). از زبان فارسی مجموعه‌ای از داستانهای کوتاه نوشتهٔ نویسندگان معاصر را ترجمه کرده که هنوز به چاپ نرسیده است. **مهمان مامان** اولین کتاب از هوشنگ مرادی کرمانی است که او به زبان فرانسه ترجمه می‌کند.

خانم باهیا زبانهای آلمانی، انگلیسی، اسپانیایی، ایتالیایی، فارسی و پرتغالی را با سهولت صحبت می‌کند. وی متولد برزیل ولی تحصیلکردهٔ اروپاست. فارغ‌التحصیل از انستیتوی علوم سیاسی پاریس در شعبهٔ روابط بین‌المللی. لیسانس از دانشگاه سوربن در زمینهٔ زبانهای مدرن و زبان‌شناسی و تکنیک‌های ترجمه و از انستیتوی زبانهای شرقی و فرهنگهای مشرق زمین (فارسی و زبان و ادبیات).